



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
الصلوة
والسلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



ہمایٰش عسکرِ بین (علیہما السلام)

سخنراتی حضرت آیت ... سید حسن فقیہ امامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همایش عسکرین (علیهما السلام)

نویسنده:

حسن فقیه امامی

ناشر چاپی:

مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	همایش عسکریین علیهما السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	متن سخنرانی
۱۹	پاورقی ها
۲۰	درباره مرکز

مشخصات کتاب

شمارگان ۲۵۰۰

نوبت چاپ اول

تاریخ چاپ ۱۳۸۶

سخنرانی حضرت آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی مدّ ظلّه العالی

در همایش سامرا و تخریب حرم

عسکریین - علیهما السلام -

متن سخنرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين حمداً أزلّياً بأبديّته، و أبدياً بأزليّته، سيّزمدًا بإطلاقه مُتَجَلِّيًا مرايا آفاقه، و الصلوه و السلام على سيّد أنبيائه
البشير النذير و السّراج المنير سيّدنا أحمد و نبيّنا أبي القاسم مُحَمَّد، واللّعنُ الدائم على أعدائهم أجمعين من الآن إلى قيام يوم
الدّين.

ابتدائاً تشکر می کنم از همه سروران عزیزی که قدم رنجه فرمودند و به خاطر التیام دردهای دل حضرت بقیه الله - ارواحنا له
الفداء - در این همایش شرکت کردند.

من واقعاً زبان عذر خواهی ندارم، اجر همه شما با خداوند متعال و امیدوارم که مورد نظر حضرت بقیه الله - ارواحنا له الفداء -
باشیم.

و عرایضی را خدمت شما تقدیم می کنم و زیاد اوقات شریف شما را اشغال نکنم.

ما مسلمان ها به طور عموم و ما شیعه به طور خصوص خیلی باید خسارت مسامحه را بپردازیم.

امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - درد دلشان همین بود. اصحابشان، آن استقامت و آن جدیت و آن دلسوزی که باید داشته
باشند را نداشتند و این مسامحه ها موجب شد که امیرالمؤمنین - علیه السلام - خانه نشین شوند و مشکلات دیگری از این قبیل
برایشان پیش بیاید.

ما گاهی باید بنشینیم، فکر کنیم که از کم کاری ها، از بی همتی ها و از بی فکری ها چه مشکلاتی پیش می آید.

قرآن کریم می فرماید:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۱).

اگر ما ایمان

راسخ داشته باشیم، سستی معنا ندارد، حزن و غم، معنا ندارد.

تعارف که نداریم، بهترین ادیان، دین اسلام است و این مسأله ای است که حتّی دشمنان اسلام هم به جامعیت این دین کامل اقرار دارند.

همین یک ساعت قبل، عدّه ای از آمریکا برای مصاحبه آمده بودند. یکی از سوالات این بود که: پذیرش جوان ها نسبت به اسلام در چه حدّ است؟ گفتم: چون دین اسلام یک دین عقلی است، گرایش انسان ها هر چه بیشتر درس خوانده باشند، به اسلام بیشتر است. و ما به شما توصیه می کنیم مطالعه کنید. بهترین دین در اختیار ماست.

« إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ » (۲).

ادله ما، معارف ما، مسائل اخلاقی و احکام فقهی ما، سرآمد تمام معارف و احکام و ادله ادیان دیگر است. این ها در مقایسه معلوم می شود.

فرقه شیعه اثنی عشری در میان هفتاد و سه فرقه مسلمین - بدون تعارف، بدون اجحاف و مبالغه - راستی قوی ترین، نیرومندترین و پربارترین مطالب را دارد. حرف برای گفتن دارد.

مثلاً مکتب حدیثمان را با مکتب حدیث اهل سنت مقایسه می کنیم، می بینیم کدام پربارتر است؟ کدام حجمش بیشتر است؟ کدام پر محتواتر است؟

و همچنین در سایر معارف ما، دوازده امام معصوم داریم که معارفمان را از ایشان می گیریم. یکی از این معارف را هم آنها ندارند.

بنابر این بهترین دین را داریم، بهترین مذهب را هم داریم.

اگر این حربه های قوی در دست هر ملّتی بود، بیش از این از آنها استفاده می کردند.

کم کاری می کنیم، من حالا - نمی خواهم بین پیروان ادیان باطله و مذاهب ضالّه و بین عمل کرد خودمان مقایسه کنم. نمی خواهم اسم ببرم

و توضیح دهم چون ترویج باطل می شود. ولی انصافاً کم کاری می کنیم. می توانیم کار کنیم. مخصوصاً ایرانی ها امتحان خود را در دنیا پس داده اند. مغزهای قوی، فکرهای باز و طراح های بسیار چشمگیری داریم. الآن می بینیم که در المپیادها برنده می شوند، در تست های مختلف تست های جهانی برنده می شوند.

معلوم می شود فکر دارند، معلوم می شود که می توانند همّت کنند و به مراحل عالی برسند.

اما در مسائل مذهبی آن طور که باید و شاید کار نمی شود. البته مشکل هم هست. باید منصف باشیم.

ما در یک جبهه نمی جنگیم. در جبهه های مختلف باید بجنگیم. با مادیون یک گونه باید بجنگیم، با ارباب ادیان مختلفه مثل یهود و نصاری گونه ای دیگر بجنگیم، با فرق ضالّه هم همین طور. در بین مسلمین هم باید با مذاهب مختلف دست و پنجه نرم کنیم.

کار ساده ای نیست، امّا عجیب است که همین مکتب شیعه جواب گوی همه آنها خواهد بود. یعنی الآن قلم به دست های شیعه چیزی را برای شبهات مخالفین باقی نگذاشته اند. در هر زمینه ای آن چنان کار کرده اند که حدّ و حساب ندارد. ولی باز هم باید عرض کنیم که کم کاری می کنیم دشمن با تمام قوا و چهره های گوناگون ریشه می کُند و وقتی ما احساس می کنیم انحراف دارد، ریشه می زند، همان وقت باید به فکر باشیم و انحرافات را در نطفه خفه کنیم، ولی مسامحه می کنیم، کوتاهی می کنیم، مدارا می کنیم، سازش می کنیم وقتی خوب رخنه کرد، دیگر حریف آنها نیستیم. انحرافات مانند سرطان است، خبر نمی کند وقتی خوب ریشه کرد، آن وقت بروز می کند.

چرا باید در کشور ما وهابیت بتواند رخنه کند؟

علتش چیست؟ من بررسی کرده ام و دیده ام

آن وقتی که آثارش ظاهر شده است، دائماً مسامحه کرده ایم، کار به اینجا رسیده، حالا هم مسامحه می کنیم، در آینده خدا رحم کند. آنها خیلی کار کرده اند؛ یعنی استعمارگران راه رخنه کردن را تجربه کرده اند، آموخته اند، می دانند چه کار کنند، ما باید بیدار باشیم!!!

از قول مرحوم آقای صهری- رحمه الله علیه - که از خطبای بسیار عالی مقام شهر ما بودند، قصه ای نقل می کنند که تاجری از اصفهان به سمت تهران حرکت کرد، در آن زمان وسیله هم نبود، یک سری وسائل قیمتی هم همراه داشت، غلامش را برداشت و با هم به طرف تهران حرکت کردند؛ در راه به غلامش گفت: ما باید نوبت بگذاریم. مقداری من می خوابم تو بیدار باش و مقداری تو بخواب من بیدار می مانم، مراقب اموالمان باشیم تا دزد آنها را نبرد.

مقداری از راه را طی کردند تا خسته شدند، به غلام گفت: تو استراحت کن، من بیدار می مانم، غلام استراحت کرد و آقا نشست تا خوب که خواب هایش را رفت، بیدار شد، آقا گفت: حالا من می خوابم تو بنشین و مراقب باش. خوابید، اما نگران بود که نکند غلام خوابش ببرد و دزد بیاید و اموالش را ببرد. بیدار شد، دید غلام نشسته است، گفت: غلام خوابی؟ بیداری؟ گفت: بیدارم. گفت چه کار می کنی؟ گفت: فکر می کنم. گفت: چه فکری می کنی؟ گفت: فکر می کنم میخ طویله را که در زمین می کوبند خاک هایش کجا می رود؟ گفت: خوب تو بیدار باشی کافیس، کار با او نداریم.

مقداری دیگر استراحت کرد و دوباره از خواب پرید گفت: غلام خوابی؟ بیداری؟ گفت: بیدارم. گفت: چه کار می کنی؟

گفت: فکر می‌کنم. گفت: چه فکری؟ گفت: این همه خار در این بیابان است، فکر می‌کنم چه کسی اینها را تیز کرده است، چه حوصله ای داشته یکی یکی بنشینند اینها را تیز کند؛ تاجر گفت: باز هم خوب است، الحمد لله بیدار است، و دوباره خوابید.

مرتبه سوم بیدار شد و غلام را صدا زد گفت: غلام خوابی؟ بیداری؟ گفت: بیدارم، گفت: چه کار می‌کنی؟ گفت: فکر می‌کنم. گفت: به چه فکر می‌کنی؟ گفت: فکر می‌کنم دزد یعنی چه؟ گفت: دزد آدم بیگانه ای است که می‌آید اموال آدم را بر می‌دارد و می‌برد. گفت: دزد این است؟ گفت: بله. گفت: این که همان وقت آمد و اموال را برد.

ما این چنین هستیم، بعد از اینکه اموالمان را بردند و سرمایه های ما را سرقت کردند، تازه می‌گوییم دزد کیست؟ تازه می‌خواهیم بفهمیم دزد کیست؟

این خطر بزرگی است، من تاریخ ادیان را بررسی می‌کردم، دیدم واقعاً چقدر هنرمندانه در کشورهای اسلامی رخنه کرده اند و آنها را متلاشی و نابود کردند. واقعاً این شبهات، تزلزلی ایجاد کرده که تمام این کشورهای اسلام را از هم گسیخته کرده است. حتی در یک کشور به عدد هر سری، یک فکری هست.

چگونه اینها این کارها را کردند؟

ریشه، ریشه عجیبی است، سیصد سال پیش یک نفر یهودی به فکر افتاد که مسیحیت را متلاشی کند.

گفت چاره ای نیست باید فرقه گرایی کرد. تمام مسیحی های روم، کاتولیک بودند. این شخص یهودی آمد و این فکر را بین آنها القا کرد که در مسیحیت یک خرافاتی هست، ما باید با خرافات مبارزه کنیم. راه مبارزه با خرافات

این است که ما متکی به عقلمان باشیم؛ از یک طرف عقل گرا باشیم و از طرفی مساله شفاعت - یعنی این که عدّه ای بیایند واسطه بین مردم و خدا بشوند تا گناهانشان بخشیده شود. - را هم سفره اش را جمع کنیم. فقط و فقط ما انجیل را می شناسیم، آن هم نه با آن دیدگاهی که گذشتگان انجیل را مطالعه می کردند. ما باید انجیل را فقط سند قرار دهیم با قرائت جدید. و طبق همان گفتاری که:

« حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ » (۳).

از همین دریچه وارد شد گفت:

« حَسْبُنَا الْانجِيل ».

انجیل بس است ما دیگر احتیاجی به غیر از انجیل نداریم. عقل را کنار انجیل می گذاریم هر جا عقل با انجیل تطبیق کرد که هیچ، هر کجا انجیل با فکر ما منطبق نبود ما انجیل را بر مبنای افکار خودمان منطبق می کنیم.

باید قرائت جدید از انجیل داشته باشیم نوگرا باشیم و این گونه، مکتب پروتستان را به وجود آورد.

مسیحی ها، دو فرقه شدند، یک عده پروتستان و عقل گرا شدند و یک فرقه هم همان راه کاتولیک خود را ادامه دادند. بعد از سیصد سال، هر ساله یک جنگ خونینی بین این دو فرقه وجود دارد. به جان هم می ریزند و کشت و کشتار می کنند. پایه گذار این مفسده یک نفر یهودی است.

خوب، این تجربه در غرب جواب داد. یهودی ها دیدند عیناً همین کاری که با مسیحی ها کردند با مسلمان ها هم بکنند و برای آنها هم برنامه ریزی بکنند و این ها را از هم بپاشند و متفرق کنند تا یَدِ واحده نباشند. چون اگر این ها در دنیا با هم متحد شوند، دیگر

غربی، یهودی، مسیحی، هیچ چیز نخواهد بود. اسلام هم امتحان خودش را داده است. اسلامی که با صدهزار مسلمان در صدر اسلام، فتوحات داشته است، این ها همان هستند ممکن است اگر جلویشان باز شد، با هم متحد شوند و برای ما مسئله ساز شوند.

می دانید، یک عدّه از ایرانی های ما هم غرب زده بودند و هنوز هم هستند. در غذا خوردن، در لباس پوشیدن، در طرز تفکر، در برنامه های اجتماعی، در برنامه های اعتقادی، همه و همه مقلد غرب اند. نشسته اند ببینند آنها چه کرده اند، این ها هم بکنند. در این مسائل هم دیدند، بد نیست از این روش استفاده کنند.

در فرانسه یک گروهی روشنفکر تربیت کردند. در فرانسه مرکزی هست که در ده سال پیش آمار دادند، صد و پنجاه استاد اسلام شناس یهودی در آنجا مشغول کارند تا ببینند چگونه روی برنامه های اسلام ریزی کنند تا از بین برود. صد و پنجاه کارشناس اسلام شناس؟! و پنجاه کارشناس اسلام شناس؟!!

الغرض، یک عدّه ای را تربیت کردند و به ایران فرستادند و بعد هم متشکل شدند و عین همان برنامه ها را پیاده کردند. گفتند: ما قرآن را ملاک قرار می دهیم، عقل هم میزان است. اگر قرآن با عقل سازش پیدا کرد، که هیچ، اگر نشد قرآن را با عقل خودمان توجیه می کنیم. حزب راه انداختند، ارباب قلم را استخدام کردند، از حسیّیه ها استفاده کردند، از روحانیونی که توانستند به آنها شستشوی مغزی دهند استفاده کردند، از مجالس مذهبی استفاده کردند، منبرها را تبدیل به تریبون کردند.

در تهران سیزده نفر سخنران تربیت کردند که جای منبرها را اشغال کنند و با تریبون با مردم صحبت کنند.

از حسیّیه ها استفاده کردند،

حسینیه ای که با پول امام زمان ساخته شده بود، همان حسینیه را پایگاه قرار داده برای کوییدن مکتب امام حسین - علیه السلام -، برای مبارزه با عزاداری امام حسین - علیه السلام -، برای مبارزه با تشکیل مجالس امام حسین - علیه السلام -، و این قدر زیبا این برنامه ها را پیاده کردند که ما هنوز هم که هنوز است می گوییم: دزد کیست؟! و دزد یعنی چه؟!!

قلمها را به دست گرفتند، اولین کاری که کردند (قبل از انقلاب) در ظرف تقریباً ده سال، این بود که شروع به ترجمه آثار مصری ها کردند.

چرا؟ برای این که همان مکتب پروتستان را پروتستان اسلامی را، اول در هند پیاده کردند. در آنجا به دست سر احمد خان هندی، دانشگاه به وجود آوردند، و سر احمد خان، دقیقاً قرآن را به آراء عقلی خودش تفسیر کرد. من چهار جلد از تفسیرهایش را موجود دارم. این کاری که می خواستند بکنند، اول به قلم او انجام گرفت و طرحش موفق هم بود، یک عده مسلمان نادان، نوگرا، عقل گرا، به آنها گرایش پیدا کردند و این ها موفق شدند جریان را به مصر منتقل کردند. در مصر چاشنی وهابیت هم به آنها خورد. یک عده از اساتید و روشنفکران مصری را استخدام کردند و آنها با بیان و قلم شروع به ترویج همان افکار کردند.

بعد کار را در عراق دنبال کردند. در آنجا همین برنامه را به دست کسی به نام: «علی الوردی» اجرا کردند.

در ایران، از «کسروی» شروع کردند و این برنامه ها را پیاده کردند. بعد کارها را تقسیم کردند.

من همه این ها را دقیق بررسی کردم. دیدم واقعاً

چقدر زیبا برنامه ریزی کردند. چون اگر یک نفر بلند شود و بخواهد با تمام مقدّسات شیعه، یک جا مبارزه کند خرد می شود، شکستش می دهند. برای همین کارها را تقسیم کردند، قرار شد یک نفر در رابطه با تقلید بحث کند و با آن به وسیله جزوه، کتاب، سخنرانی مبارزه کند.

و جالب این است که اگر این ها بخواهند مبارزه با تقلید بکنند دیگر خودشان را نباید مطرح کنند. اما به مردم می گفتند مراجع را رها کنید، ما را بگیرید. این یعنی تقلید از ما. با تقلید مبارزه می کردند، مقلد برای خودشان درست می کردند. این جالب بود یک کسی بنشیند برای مبارزه با تقلید

یکی قلم در دست بگیرد برای مبارزه با علم امام - علیه السلام -.

یکی قلم در دست بگیرد برای مبارزه با ولایت تکوینی.

دیگری یک کتاب بنویسد راجع به آقا امام حسین - علیه السلام - در رابطه با این که جنگ امام حسین - علیه السلام - برای حکومت بود ولی موفق نشد و شکست خورد. و علمی هم نداشت و اطلاعاتی هم نداشت و خبری جایی نبود.

کسی را مأمور کردند برای مبارزه با شفاعت.

و همین طور کارها را تقسیم کردند. در قالب روحانی و غیر روحانی. هر قسمتی از افکار و معارف و مقدسات شیعه را به عهده یکی گذاشتند تا بکوبد، خرد کند، له کند.

خمس را گذاشتند به عهده دیگری و... در عین حالی که همه ی این ها از یک جا الهام می گرفتند، در ظاهر در قسمتهای مختلف شروع به کار کردند یکی در اصفهان یکی در تهران یکی در دامغان یکی مشهد.

تقسیم کردند که بتوانیم با

آن مبارزه کنیم. اگر در یک جبهه بجنگیم آن یکی خالی می ماند در این بجنگیم دیگری خالی می ماند. عجیب نقشه را پیاده کردند اما ما هنوز داریم می گوئیم: دزد کیست؟!

کتاب ها را می بینیم قلم ها را می بینیم افکار را می بینیم اعمال را می بینیم مبارزه با روحانیت را می بینیم، همه این ها را می بینیم، باز می گوئیم دزد کیست؟!

ما کوتاهی نکردیم؟ ما میدان ها را باز نکردیم تا این ها همه جا را اشغال کنند؟

الآن هم من هشدار می دهم، و می گوئیم هواستان جمع باشد میدان به این ها ندهید به بهانه های مختلف آوانس ندهید تا این ها خوب رخنه کنند.

یک روز هم دیگر دین در کشور نباشد. این، محسوس است چرا باید یک عده عناصر خائن جرأت پیدا کنند عسکرین - علیهما السلام - را خراب کنند؟ این به خاطر ماست!. جدی کوتاهی کرده ایم.

ما به این آقایانی که اقدام به این کارها می کنند می گوئیم شما چه سودی از این کارها بردید؟

شما چه سودی از تخریب بقیع بردید؟ به جز این که روز به روز نفرت مردم دنیا از شما بیشتر می شود. شما این قدر احمق و نادانید که نمی دانید با خراب کردن مقبره ائمه نمی توانید شخصیت آنها را زیر سؤال ببرید. مگر می توانید محبت این ها را از دل مردم بیرون کنید؟ این چه کار احمقانه ای است.

شما فکر می کنید اگر ضریح عسکرین - علیهما السلام - خراب شود دیگر شخصیت این ها از بین می رود. تازه در دنیا گل کردند، در رادیو می گفت بوش یک عده ای را استخدام کرده تا بروند راجع به عسکرین - علیهما السلام - تحقیق کنند. بعد می گوید دیدیم این ها دو نفر از شخصیت های بزرگ اسلامی هستند.

دشمن

اقرار می کند. صد سال، یا هزار سال دیگر هم عسکرین - علیهما السلام - مخروبه باشد این ها از بین رفتنی نیستند. علمشان در دنیا حاکم است. شخصیتشان حاکم است. معنویتشان حاکم است. مگر می شود با این خبرها حقایق را از بین برد؟ منهای این که خدای متعال وعده داده است :

« إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ » (۴)

خداوند وعده حفظ داده است. هم حفظ اسلام و هم حفظ تشیع که دلائل آن در قرآن و روایات موجود است.

این ها، همه مقدمات ظهور حجت خدا در روی زمین است. مگر وعده خدا خُلف دارد؟ ما مطمئن هستیم یقین داریم ایمان داریم که سفره این کثافت کاری ها و این خلاف کاری ها جمع می شود زمستان می رود و رو سیاهی به ذغال می ماند. چرا این قدر احمقید؟ آن روز تا حالا که شما فتوا به قتل شیعه دادید کجا را گرفتید؟ حالا به فرض که چهار تا شیعه هم این گوشه و آن گوشه دنیا کشته شدند شما چه طرفی می بندید؟ حالا فکر می کنید با کشته شدن شیعه دنیا در اختیار شما می آید؟

یک عده عناصر یهودی الاصل، فکر می کنند با کشتن شیعه و مسلمان ها به جایی می رسند!

یک اشتباه!! یک غلط!!

به هر حال ما امیدواریم ان شاء الله بتوانیم ندای خود را به دنیا برسانیم. ندای مظلومیت شیعه و ائمه شیعه را به دنیا برسانیم که مظلومیت رمز پیشرفت است و ظلم و ستم رمز نابودی و هلاکت می باشد.

والحمد لله با این حرکاتی که این ها کردند با این بمب گذاری ها با این آدم کشی ها با این خشونت ها آنچنان چهره ننگینی در دنیا پیدا

کرده اند که حد و حساب ندارد.

من خیلی نگران بودم چون در دنیا طوری بود که وقتی اسم اسلام به میان می آمد وهابیت تداعی می شد.

اما با جنگ عراق و این مصیبت هایی که در آن جا پیش آمد مظلومیت شیعه برای مردم دنیا ثابت شد. نجابت و عفت شیعه برای دنیا ثابت شد. اگر این نجابت را شیعه ها نداشتند این ها چه می کردند؟

اگر می گفتند شما که به خودتان اجازه می دهید ساختمان عسکرین - علیهما السلام - را خراب کنید پس اجازه دهید ما هم به طور وضوح بتهای شما را خراب کنیم، صنمی قریش را خراب کنیم. آن وقت چه می شد؟ می توانستید این آتش را خاموش کنید؟ شیعه نجابت کرده و نجابتش در دنیا به نفعش بود.

مراجع شیعه می توانستند فتوا دهند که شما هم به هر سنی رسیدید قتل عامش کنید.

الآن فتوهای بعضی از علمای گذشته را نمی گویم که نسبت به اهل سنت چه نظری داشتند. اگر این نظرات را مطرح کنیم آفت می شود.

می گویم: ان شاء الله این ها مسلمان اند و خونشان هدر نیست. این ها از نجابت و عفت شیعه سوء استفاده کردند. فتوا به قتل می دهند. فتوا به کشتار دسته جمعی می دهند. به عنوان این که شیعیان مشرک اند.

این ها موخید واقعی هستند که خدا را جسم می دانند؟ یا ما که خطبه های امیرالمؤمنین - علیه السلام - سر لوحه عقایدمان است؟ ما مشرکیم؟!

آن خطبه هایی که احدی در دنیا دهان ندارد که بتواند چنین خطبه هایی به این جالبی را در مورد توحید بیان کند، آیا ما مشرکیم؟!

أف بر این منطلق !!

به هر حال من خیلی از آقایان معذرت می خواهم، امیدوارم که

آقایان هر کدام در حدّ خودشان تلاشی داشته باشند و قلماً و لساناً از شیعه دفاع کنند. و ان شاء الله همه ما دست به دست هم بدهیم و جبران گذشته را بکنیم و توبه کنیم از این کم کاری هایی که شده و به این ها اجازه داده شده در ممالک اسلامی این طور شیطنت کنند و فساد راه بیاندازند.

و امیدواریم ناله ما به دنیا برسد و این ها را ان شاء الله سر جای خودشان بنشانند.

و از آقایان مراجع بزرگوار که با این برنامه ها همدلی کردند و تشویق کردند به برگزاری این مجالس تشکر می کنیم.

مخصوصاً از حضرت آیه الله العظمی آقای شیرازی - سلمه الله تعالی - و جناب آیه الله العظمی وحید خراسانی و آیه الله العظمی صافی، و همه آقایان مراجع و علماء و بزرگانی که همدلی و تشویق کردند متشکریم همچنین از آقایان حضار هم تشکر می کنیم که با شرکت در این مجالس دل امام زمان را ترمیم کردند.

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته

پاورقی ها

(۱) آل عمران ۱۳۹

(۲) آل عمران ۱۹

(۳) بحار الأنوار: ج ۲۲ ص ۳- علیه السلام -۴

(۴) حجر: ۹.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹